

ارتقاء تعامل والدین و فرزندان با استفاده از آموزش روش‌های نوین

فرزندپروری

محسن شکوهی یکتا^{۱*}، سعید اکبری زردخانه^۲، اکرم پرند^۳، فاطمه پوران^۴

چکیده

خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای کودکان به شمار می‌رود و استفاده از شیوه‌های مناسب حل مسئله در این محیط می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر رشد روانی و اجتماعی کودکان داشته باشد. این پژوهش، با هدف بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله به والدین بر شیوه‌های تربیتی و تعاملی آنها با فرزندان‌شان انجام شده است. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش-آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی است. گروه نمونه شامل ۲۸ نفر از مادران دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بوده است که با روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شده بودند. مادران در کارگاه‌های آموزش تربیت فرزندان با روش حل مسئله شرکت کردند که هفته‌ای یک بار در ۹ جلسه ۲ ساعته برگزار شدند. قبل از شروع و بعد از اتمام هر کارگاه، والدین پرسش‌نامه روش‌های تربیتی والدین و سیاهه رابطه والد-کودک را تکمیل کردند. یافته‌های حاصل از تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر نشان داد شرکت در کارگاه آموزش روش تربیتی مبتنی بر حل مسئله به افزایش میانگین روش تعامل بر اساس حل مسئله و کاهش میانگین روش تنبیه و توبیخ در پرسش‌نامه روش‌های تربیتی والدین منجر شده است. داده‌های حاصل از سیاهه رابطه والد-کودک نیز نشانگر افزایش میانگین ایجاد محدودیت می‌باشد. آموزش مهارت حل مسئله به والدین می‌تواند باعث افزایش به‌کارگیری سبک تربیتی مبتنی بر حل مسئله و کنترل کودکان به‌وسیله والدین از راه ایجاد قانونمندی در خانواده شود.

واژه‌های کلیدی: حل مسئله، آموزش والدین، شیوه‌های تربیتی، رابطه والد-کودک

۱. دانشیار دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبایی

۳. پژوهشگر فوق دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی دانشگاه تهران

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: ostadroozbeh@yahoo.com

مقدمه

خانواده اولین و قدرتمندترین بستر موثر بر سلامت جسمانی و روانی کودکان به شمار می‌رود (برک^۱، ۱۳۸۶). ادبیات پژوهشی مربوط به عوامل ارتقاء دهنده سلامت روانی کودکان، عمدتاً بر اهمیت خانواده (فریک^۲، ۱۹۹۴) و روابط والدین و فرزندان (کازدین و وایتلی^۳، ۲۰۰۷) تأکید دارند. در ضمن تعامل بین اعضای خانواده نقش بسزایی در شکل‌دهی بازخوردها و رفتارهای کودکان ایفا می‌کند (چوفی و مک لئود^۴، ۱۹۷۳). سبک تربیتی والدین یکی از مفاهیمی است که بیانگر نحوه تعامل والدین با فرزندان است (دارلینگ و پرات^۵، ۱۹۸۸). اگر هر موقعیت تعامل با کودک را به یک مسئله تشبیه کنیم، باید سبک تربیتی را نوعی مهارت در حل مسئله والدین در موقعیت‌های مربوط با فرزندان قلمداد کرد.

از آنجائی که هدف اصلی مداخله‌های روان‌شناختی کمک به حل مسائل و چالش‌هایی است که افراد در زندگی روزمره و موقعیت‌های چالش برانگیز با آنها مواجهند، مطالعه توانایی‌های حل مسئله و راه‌های کارآمد بهبود آن، یکی از رسالت‌های عمده در حوزه روان‌شناسی بشمار می‌رود. از این‌رو این امر مورد توجه پژوهش‌گران بسیاری در حوزه روان‌شناسی بوده است (الیوت و هارست^۶، ۲۰۰۸). حل مسئله به فرایندهای شناختی- رفتاری و خلاقانه اطلاق می‌شود که فرد بمنظور ایجاد راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه برای حل مشکلات روزمره از آنها استفاده می‌کند (دزوریلا^۷، ۱۹۹۲). بورنشتاین^۸ (۲۰۰۳) توانایی حل مسئله و تصمیم‌گیری را یکی از شاخص‌های سلامت روان تلقی کرده است. هم‌چنین مطالعات متعدد (به عنوان مثال هپنر^۹، ۱۹۹۵ و کاترین^{۱۰}، ۲۰۰۳) نشان داده‌اند که حل مسئله یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده سلامت روان است.

از سوئی دیگر خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای هر فرد بشمار می‌رود؛ لذا یادگیری و تجربه شیوه‌های مناسب حل مسئله می‌تواند ابعاد روانی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر شکل‌گیری مهارت حل مسئله سازگارانه در تحول و سلامت روان‌شناختی

¹. Berk

². Freek

³. Kazdin & waitly

⁴. Choafi & Mc Leod

⁵. Darling & Prot

⁶. Elliott & Hurst

⁷. Dzurilla

⁸. Bornstein

⁹. Heppner

¹⁰. Kathryn

افراد خانواده نقشی موثر دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند در خانواده‌هایی که اعضای آن به‌گونه مستمر از شیوه‌های کارآمد حل مسئله استفاده می‌نمایند، استعداد‌های افراد در سطح بهینه‌ای پرورش می‌یابد (دزوریل و گلدفرید^۱، ۱۹۷۱؛ هافمن^۲، ۱۹۶۵ و تالمن^۳، ۱۹۷۰). هم‌چنین مشارکت کودک در درواکنش به چالش‌های درون و بیرون خانواده، او را در کسب راهبردهای هوشمندانه حل مسئله، توافق در حل مسائل و ارتقای ظرفیت مقابله با محرک‌های محیطی یاری می‌کند (ویگوتسکی^۴، ۱۹۷۸؛ وایت^۵، ۱۹۷۹؛ مک لین^۶، ۱۹۸۰). نتایج مطالعات دیگر، تاثیر آموزش روش حل مسئله را بر کاهش تعارض والد-نوجوان (رابین و فوستر^۷، ۱۹۸۶)، کاهش شدت خشم، بهبود تعامل خانوادگی و ارتقای سطح سلامت روان اعضای خانواده (بارکلی^۸، ۱۹۹۲) نشان داده‌اند.

به دلیل نقش محوری مادر در تحول روانی و عاطفی کودک، سلامت روانی مادر از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌دهی مناسب شخصیت کودک است (بارت^۹، ۲۰۰۶). مادر به عنوان رکن تربیتی خانواده، بیش‌ترین موقعیت‌ها و تعامل با کودک را تجربه می‌کند. در نتیجه استفاده مادر از شیوه‌های مناسب حل مسئله می‌تواند دارای پیامدهای مناسب در پرورش کودکان داشته باشد. بر این اساس آموزش مهارت حل مسئله به مادران را می‌توان از ارکان اصلاح فرایندهای خانوادگی و سلامت خانواده تلقی کرد.

مورفی^{۱۰} (۲۰۰۷) معتقد است آموزش مادران علاوه بر سودمندی فردی و ایجاد فضایی مطلوب در خانواده، در الگودهی رفتارهای مورد قبول و اجتماعی به کودکان نیز موثر است. آموزش حل مسئله به مادر می‌تواند در تحول هیجانی بهنجار کودک (جاهودا^{۱۱}، ۱۹۵۳؛ اسپواک و لوین، ۱۹۶۳) و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در خانه و مدرسه (کازدین، ۱۹۸۷) موثر باشد. هم‌چنین پژوهش کیسلا، مک‌دونالد، فلمینگ، و دروموند^{۱۲} (۲۰۰۵) نشان داده است آموزش حل مسئله به مادران به افزایش یادگیری حل مسئله در کودکان کمک می‌کند. آموزش حل مسئله به مادران،

¹. Goldfreid

². Hoffman

³. Tollman

⁴. Vygotsky

⁵. White

⁶. Mc Lane

⁷. Robin & Foster

⁸. Barkley

⁹. Barrett

¹⁰. Murphy

¹¹. Jahoda

¹². Kysela, McDonald, Fleming & Drummond

ارتقای کفایت و مهارت‌های اجتماعی و بهبود رابطه با فرزندان و جو خانواده موثر است (آندرسون^۱، آندرسون^۱، ۱۹۷۴).

با توجه به اهمیت مهارت حل مسئله و نقش آن در تربیت فرزندان، این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله به والدین و تاثیر آن بر سبک‌های تربیتی والدین آنها صورت گرفت.

روش

این مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی^۲ با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون تک‌گروهی است. نمونه-گیری به صورت در دسترس بوده است. گروه نمونه شامل ۲۸ نفر از مادران دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی از مدارس غیر انتفاعی شهر تهران بوده است. والدین در پی فراخوانی بوسیله مسئولان مدرسه در زمینه شرکت در کارگاه آموزشی با عنوان «تربیت کودک اندیشمند»، اعلام آمادگی نمودند. این افراد در یک جلسه توجیهی که مسئولان کارگاه‌ها برگزار کردند و در آن اهداف، نحوه برگزاری و خلاصه‌ای از عناوین کارگاه‌ها معرفی شد، شرکت کردند و در نهایت از والدینی که برای شرکت در کارگاه‌ها تمایل داشتند ثبت نام به عمل آمد. کارگاه‌ها هفته‌ای یک بار در ۹ جلسه ۲ ساعته برگزار شدند. در طی هر جلسه کارگاه، مجریان مجرب و آموزش‌دیده به آموزش والدین و حل مشکلات احتمالی ایشان در انجام تمرین‌ها و در ارتباط با کودکان می‌پرداختند. قبل از شروع و بعد از اتمام کارگاه آموزشی، والدین پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل نمودند.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسش‌نامه روش‌های تربیتی والدین: این پرسش‌نامه بوسیله شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۶) و با توجه به کتاب تمرین تربیت کودک اندیشمند^۳ (شور، ۲۰۰۰) تهیه و تدوین شده است. پرسش-پرسش‌نامه شامل ۱۲ موقعیت است که در هر موقعیت نحوه برخورد والدین با رفتارهای چالش-برانگیز کودکان بررسی می‌شود. پاسخ‌دهی براساس مقیاس لیکرت ۴ گزینه‌ای (همیشه=۴ تا هرگز=۰) است که هر گزینه در واقع یکی از روش‌های چهارگانه تعامل والدین با کودک (تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح، پیشنهاد همراه با توضیح و روش حل مسئله) را در موقعیت مورد نظر مطرح می‌کند. نمره هر خرده‌مقیاس، میانگین نمرات گویه‌های مربوط به هر شیوه تعامل است. نمره بالا

^۱. Anderson

^۲. pseudo- experimental

^۳. raising a thinking child workbook

در هر روش نشانگر استفاده بیش‌تر از آن روش در تعامل با کودک است. قابلیت اعتماد^۱ پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۶).
سیاهه رابطه والد-کودک: سیاهه رابطه والد-کودک^۲ بوسیله جرارد^۳ (۱۹۹۴) ساخته شده و شامل ۷۸ آیت، ۷ خرده‌مقیاس اصلی و یک خرده‌مقیاس روایی^۴ است. شیوه پاسخدهی سیاهه در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (هرگز=۱ تا همیشه=۵) است. این سیاهه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می‌کند و بوسیله والدین تکمیل می‌شود. حمایت والدینی^۵، رضایت از فرزند پروری^۶، مشارکت^۷ در فرزند پروری، ارتباط با فرزند^۸، ایجاد محدودیت^۹، خودمختاری^{۱۰} و جهت‌گیری نقش^{۱۱} از مقیاس‌های اصلی و مقبولیت اجتماعی^{۱۲} مقیاس روایی است. ضریب همسانی درونی برای این ابزار ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۸۱ گزارش شده است. در این پژوهش با توجه به اهداف آن، فرم کوتاه این سیاهه که شامل ۳۱ گویه است و خرده‌مقیاس‌های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری را شامل می‌شود، استفاده شده است.

روش اجرا

کارگاه تربیت کودک اندیشمند (شور^{۱۳}، ۲۰۰۰) برای والدین کودکان سنین ۴ تا ۷ سال طراحی شده است. هدف نهایی کارگاه افزایش توانمندی والدین در مواجهه با مسائل روزمره خانواده از راه به کارگیری مهارت‌های حل مسئله در تربیت فرزندان است. کارگاه‌ها در ۹ جلسه به صورت یک جلسه دو ساعته در هفته برگزار می‌شود. در هر جلسه والدین به صورت گام به گام با روش‌های کارآمد و ناکارآمد برخورد با کودکان آشنا می‌شوند. والدین با استفاده از کتاب تمرینی که به آنها داده می‌شود، روش حل مساله را در موقعیت‌های فرضی با کودک تمرین می‌کنند. در این کتاب تمرین‌هایی طراحی شده است که جنبه بازی و تفریح داشته و برای کودکان لذت بخش است. لذا

1. reliability

2. Parent° Child Relationship Inventory (PCRI)

3. Gerard

4. validity

5. parental support

6. satisfaction with parenting

7. involvement

8. communication

9. limit setting

10. autonomy

11. role orientation

12. social desirability

13. Shure

فعالیت‌ها به صورت بازی یا نقاشی به کودک ارائه می‌شوند. هم‌چنین تکالیف با استفاده از موقعیت‌های آشنا که کودک و والدین معمولاً با آنها در تماس هستند (مثلاً هنگام غذا پختن در آشپزخانه، در مهمانی، هنگام تماشای تلویزیون) و در مکان‌های گوناگون خانه طراحی شده‌اند (شور و دیجرومینو^۱، ۲۰۰۱).

در جلسات اولیه، والدین با چهار شیوه تربیت کودک که در کارگاه به نام چهار پله رفتار تعریف شده‌است، آشنا می‌شوند. در پله اول، رفتارهای توأم با تنبیه و توبیخ قرار دارد و والدین با توهین و لحن دستوری از کودک می‌خواهند که کاری را انجام دهد. برای مثال زمانی که مادر به کودک می‌گوید: «تو پسر نامرتبی هستی، وسائلت را از اینجا جمع کن» او در پله اول رفتار با کودک قرار دارد. در پله دوم، توصیه بدون هیچ توضیحی داده می‌شود، در واقع به این معنی که کاری را انجام بده چون من آن را از تو می‌خواهم. در پله سوم، والدین پیشنهادهای خود را همراه با توضیحاتی ارائه می‌دهند. این توضیحات می‌تواند درباره پیامد کار یا توجه به احساس فرد مقابل باشد، مثلاً «اگر تکالیفت را انجام ندهی فردا در کلاس و جلوی همکلاسی‌هایت احساس خجالت خواهی داشت» یا «اگر تکالیفت را انجام ندهی ممکن است خانم معلم از تو ناراحت شود». پله نهایی شامل کارآمدترین روش تربیتی است که با سوال کردن، کودک را به تفکر وادار می‌دارد. در حین تمرین‌های این مرحله، کودکان با کلماتی آشنا می‌شوند که کلمات تعامل یا حل مسئله نامیده می‌شوند و بر سه پایه اساسی درک احساسات، یافتن راه‌حل‌های جایگزین و توجه به پیامدهای رفتار استوار است. تکیه بر این کلمات بر این اساس است که داشتن زبان مشترک یک قدم بسیار مهم در حل یک تعارض یا مشکل است (شور و دیجرومینو، ۲۰۰۱). از کلمات حل مسئله می‌توان هست/ نیست، حالا/ بعداً، مشابه/ متفاوت را نام برد که در راستای آن کودک یاد می‌گیرد که چه چیزی برای چه کاری مناسب هست/ نیست، یا اینکه زمان مناسب برای هرچیز متفاوت است. بعد از اینکه این کلمات در موقعیت‌های معمول روزمره با کودک تمرین شدند، والدین در تعامل با کودک به پله چهارم می‌رسند. کتاب تمرین این کارگاه آموزشی در برگزیده‌ی تمرین‌هایی است که والدین و کودکان باید آن را انجام دهند.

^۱. Digeronimo

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاصل از ابزارهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی نمره‌های خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه روش‌های تربیتی والدین و سیاهه رابطه والد-کودک گروه نمونه در مراحل پیش و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		خرده‌مقیاس	مقیاس
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۶/۵۵	۱۱/۳۶	۷/۴۴	۱۴/۴۰	تنبیه و توبیخ	روش‌های تربیتی والدین
۸/۷۴	۲۳/۰۱	۶/۵۰	۲۷/۱۵	توصیه بدون توضیح	
۷/۴۳	۱۳/۴۴	۵/۸۷	۱۹/۵۶	پیشنهاد همراه با توضیح	
۶/۳۶	۳۶/۱۴	۷/۷۰	۲۸/۸۷	حل مسئله	
۴/۵۹	۴۰/۲۶	۴/۴۳	۴۱/۸۲	رضایت از فرزندپروری	رابطه والد-کودک
۲/۴۸	۳۶/۳۱	۲/۵۷	۳۵/۵۱	ارتباط با فرزند	
۴/۰۵	۴۲/۲۰	۴/۷۰	۴۰/۱۳	ایجاد محدودیت	

یافته‌های توصیفی حاصل از گروه نمونه براساس پرسشنامه روش‌های تربیتی والدین نشان می‌دهند که شرکت در کارگاه آموزش حل مسئله، در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون به کاهش میانگین در خرده‌مقیاس‌های تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح، پیشنهاد همراه با توضیح و افزایش میانگین خرده‌مقیاس حل مسئله منجر شده است. این در حالی است که در همین زمان داده‌های حاصل از سیاهه رابطه والد-کودک نیز نشان‌دهنده افزایش میانگین خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت می‌باشد. دو خرده‌مقیاس دیگر این سیاهه تفاوت عمده‌ای را نشان نمی‌دهند.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر^۱ برای آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار آماری در بین میانگین‌های خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش و پس‌آزمون ابزارهای پژوهش استفاده شد. نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه روش‌های تربیتی والدین (با چهار خرده‌مقیاس) نشان داد نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری از هم دارند (Partial Eta Squared= ۰/۷۹ و $p < ۰/۰۰۵$ و $df = (۴ و ۲۴)$ و $F = ۲۲/۱۲$ و $W = ۰/۲۱$).

1. repeated measure

بررسی نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها^۱ نشان داد پیش‌آزمون و پس‌آزمون در تمامی خرده‌مقیاس‌ها تفاوت معناداری ($p < 0/05$) دارند (جدول ۲). مقایسه اثربخشی آموزش ارائه‌شده براساس شاخص مربع ایتای سهمی در خرده‌مقیاس‌های روش‌های تربیتی نشان می‌دهد بالاترین اندازه اثر آن بر خرده‌مقیاس حل مسئله بوده است. البته لازم به ذکر است که اندازه اثر تغییر خرده‌مقیاس پیشنهاد همراه با توضیح هم قابل توجه است.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی میانگین خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه روش‌های تربیتی

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایتای سهمی
تنبیه و توبیخ	۱۲۹/۹۰	۱	۴/۵۱	۰/۰۴	۰/۱۴
توصیه بدون توضیح	۲۴۰	۱	۵/۵۴	۰/۰۳	۰/۱۷
پیشنهاد همراه با توضیح	۵۲۳/۷۳	۱	۱۹/۵۶	۰/۰۰۵	۰/۴۲
حل مسئله	۲۱۰۸/۴۱	۱	۶۳/۶۷	۰/۰۰۵	۰/۷۰

اجرای تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر بر روی داده‌های حاصل از سیاهه رابطه والد- کودک (با سه خرده‌مقیاس) نشان داد نیمرخ میانگین خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون این سیاهه تفاوت معناداری دارند ($\text{Partial Eta Squared} = 0/35$ و $p < 0/01$ و $df = (3 \text{ و } 26)$ و $F = 4/58$ و $W = 0/65$). در ادامه برای پی بردن به این که میانگین کدام یک از خرده‌مقیاس‌ها در بین مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت دارند، نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۳).

جدول ۳. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی میانگین خرده‌مقیاس‌های سیاهه رابطه والد- کودک

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایتای سهمی
رضایت از فرزندپروری	۳۵/۱۶	۱	۲/۷۰	۰/۱۱	۰/۰۹
ارتباط با فرزند	۹/۴۲	۱	۱/۷۶	۰/۱۹	۰/۰۶
ایجاد محدودیت	۶۲/۵۶	۱	۴/۴۱	۰/۰۴	۰/۱۴

یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۳ نشان می‌دهد از بین خرده‌مقیاس‌های سیاهه رابطه والد- کودک تنها خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت تفاوت معناداری ($p < 0/05$) نشان می‌دهد. این یافته بدین معنا است که آموزش حل مسئله از بین سه مولفه رابطه والد- کودک تنها در میانگین خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت تفاوت معنادار ایجاد کرده است.

^۱. Between Subject Effect

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های آموزش والدین، راه‌کارهای موثری برای کاهش تعارض‌ها و تنش‌های درون خانواده و بهبود رفتار کودکان است (رمزی و بلاند^۱، ۱۹۹۵). اغلب این برنامه‌ها بر شناسایی الگوهای تعاملی خانواده و آموزش مهارت‌های لازم به والدین و کودکان برای کاهش تعارض‌ها و بهبود تعامل بین اعضا طراحی شده‌اند (شکوهی یکتا، پرند، شهائیان و اکبری زردخانه، ۱۳۸۹). مطالعات متعدد در پیگیری اثربخشی این برنامه‌ها نشان داده‌اند رویکردهایی که شامل مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله و گفتگو در خانواده است، بهترین و باثبات‌ترین نتایج را در حل تعارض‌های خانواده داشته‌است (استرن^۲، ۱۹۹۹؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۹). هم‌چنین مطالعات دیگر نشان داده‌اند نقص در مهارت‌های حل مسئله می‌تواند عامل تشدید یا نگهداری مشکلات و تعارض‌ها در خانواده باشد (کاپالدی، فورگاتچ و کروسبی^۳، ۱۹۹۴). یافته‌های پژوهش بوچر^۴ و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که آموزش حل مسئله به والدین در بهبود مهارت حل مسئله و کاهش تنیدگی در بین اعضای خانواده موثر است. هم‌چنین پرنیز و اولیوی^۵ (۱۹۹۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که آموزش حل مسئله به والدین باعث بهتر شدن مهارت حل مسئله آنها می‌شود.

یافته‌های این پژوهش، نشان داده است که شرکت در کارگاه آموزش حل مسئله به افزایش به‌کارگیری سبک تربیتی حل مسئله و کاهش استفاده از روش‌های دیگر منجر می‌شود. از آموزش‌هایی که در این کارگاه وجود داشت، می‌توان به جایگزین کردن لغات مورد استفاده در خانواده با لغات حل مسئله، توجه به احساس فرد مقابل و اندیشیدن به راه‌حل‌های گوناگون در مواجهه با مشکلات اشاره کرد. هم‌سو با این یافته مطالعات گوناگونی (از جمله داج^۶، ۱۹۹۳؛ اسلاپی و گورا^۷، ۱۹۸۸ و سوفنورف، آتوود، هینوسف و لوین^۸، ۲۰۰۷) نشان داده‌اند که افزایش دامنه واژگان حل مسئله، شناخت و توجه به راه‌حل‌های جایگزین برای حل مسئله، کاهش واکنش‌های تکانشی، تامل کردن قبل از ارائه پاسخ و به‌گونه کلی آشنایی با فرایندهای پردازش داده‌ها و روش‌های حل مسئله موجب کاهش احساس خشم و کنترل تکانه‌های پرخاشگرانه می‌شود. در تایید این یافته‌ها

^۱ Ramsey & Bland

^۲ Stern

^۳ Capaldi, Forgatch & Crosby

^۴ Bucher

^۵ Perniz & Olivy

^۶ Dodge

^۷ Slaby & Guerra

^۸ Sofronoff, Attwood, Hinson & Levin

می‌توان به نتایج حاصل از پژوهش شور و اسپواک^۱ (۱۹۷۸) اشاره کرد که حاکی از آن است که آموزش حل مسئله به والدین در بهبود سبک تربیتی والدین و استفاده کمتر از روش تنبیه و تهدید موثر است. لذا پیش‌بینی این که این امر موجب بهتر شدن روابط بین والدین و فرزندان شود دور از انتظار نیست. نتایج این پژوهش، در زمینه رابطه والد-کودک نشان‌دهنده افزایش ایجاد محدودیت پس از شرکت در کارگاه حل مسئله است ولی دو خرده‌مقیاس رضایت از فرزندپروری و ارتباط با فرزند افزایشی در حد معنادار آماری نشان نداده‌اند. براساس مطالعات انجام شده، آموزش حل مسئله به والدین به آنها کمک می‌کند تا در پی‌یافتن راه‌حلی منطقی و تا حد ممکن به دور از تنش برای حل مشکلات مرتبط با فرزندان باشند؛ یکی از بهترین این روش‌ها ایجاد محدودیت‌ها و قوانین منطقی برای فرزندان بمنظور کنترل موثرتر رفتارهای آنها است (کازدین، سیگل و باس^۲، ۱۹۹۲). اما از آنجائی که به‌نظر می‌رسد ایجاد رابطه با فرزندان و کسب رضایت از فرزندپروری نیازمند تجربه‌های متعدد و سپری شدن زمان نسبتاً طولانی است؛ می‌توان انتظار داشت که این دو متغیر پس از زمان نسبتاً طولانی تغییر کنند. لذا احتمالاً به دلیل این که مادران در این پژوهش در طی دوره آموزشی و بعد از آن، این زمان را به‌گونه کافی در اختیار نداشته‌اند؛ تفاوت آماری معناداری در عوامل رضایت از فرزندپروری و ارتباط با فرزند مشاهده نشد. البته این که تبیین حاضر تا چه حد می‌تواند منطقی باشد، انجام پژوهش‌های بیش‌تری را در این خصوص می‌طلبد.

محدود بودن تعداد افراد شرکت‌کننده، منحصر بودن نمونه پژوهش به مادران دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی، عدم امکان بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی و تأثیر آن بر روایی بیرونی پژوهش و عدم امکان پیگیری آثار برنامه مداخله‌ای از محدودیت‌های این پژوهش بشمار می‌رود. علاوه بر این، به دلیل نبود گروه کنترل در این پژوهش، امکان مقایسه مقدار تغییرات حاصل شده در گروه مورد مطالعه با گروه دیگر که متغیر مستقل (مداخلات) در مورد آنها اعمال نشده باشد، وجود نداشت؛ تا با استفاده از آن بتوان در مورد اثربخشی مداخلات با اطمینان بیش‌تری صحبت نمود. لذا پیشنهاد می‌گردد در مطالعات بعدی، در صورت امکان از گروه کنترل استفاده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. Spivack

^۲. Kazdin, Siegel & Bass

منابع

- سامانی، سیامک (۱۳۸۴). مدل فرایند و محتوای خانواده در انتخاب همسر. مقاله ارائه‌شده در کنگره پژوهش‌های روانپزشکی و روانشناسی در ایران. تهران، ۲۸-۳۰ اردیبهشت.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۶). تهیه و طراحی مقیاس فرایندهای خانوادگی برای خانواده‌های ایرانی. مجله روانپزشکی و روانشناسی ایران، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۶۲-۱۶۸.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۶). آموزش روش حل مسئله به والدین و تأثیر آن بر رفتار کودکان. مجله علوم روان‌شناختی، دوره ششم، شماره ۲۲، ص ۱۵۰-۱۳۴.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ شهانیان، آمنه و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۹). تأثیر آموزش روش تربیتی مبتنی بر حل مسئله بر روش فرزندپروری و رفتارهای خشمگینانه والدین. چهارمین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده (ص ۷۹-۸۰). ۲۱ تا ۲۳ اردیبهشت. تهران، ایران.
- Anderson, J. R. (2005). Tracing problem solving. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 17(8), 48-54.
- Barkley, R. A. (2000). The interactions of hyperactive and normal boys with their fathers and mothers. *Journal of Abnormal Psychology*, 11(4), 565-580.
- Barret, J. E. (2006). Training therapists in problem solving treatment of depressive disorders in primary care. *Families System and Health*, 18(4), 423-435.
- Bass, D., Siegel, T. C. (1992). Cognitive problem solving skills training and parent management training in treatment of antisocial behavior in children. *Journal Of Consulting and Clinical Psychology*, 60(5), 133-747.
- Baumrind, D. (1966). Effect of authoritative control on child behavior. *Child Development*, 37, 887-901.
- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 78, 356-364.
- Bornstein, M. H. (2003). *Well-being positive development across the life course*. Mahawab: Lawrence Erlbaum.
- Butcher, J. N. (2010). *Abnormal psychology and modern life*. Boston: Scott, Foreman Company.
- Capaldi, D. M., Forgatch, M. S., & Crosby, L. (1994). Affective expression in family problem-solving discussions with adolescent boys. *Journal of Adolescent Research*, 9, p. 28-49.
- Cottrell, L. E. (2006). *An expanded model of adolescence care giving*. Dissertation in Wayne State University.
- D,Zurilla, T. J. (1995). The relation between problem solving and coping. *Cognitive Therapy and Psychology*, 78(7), 59-62.
- D,Zurilla, T. J., Goldfreid, M. R. (1971). Problem solving and behavior modification. *Journal of Abnormal Psychology*, 78, 107-126.

- Darling, N. (1988). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496.
- Dodge, K. A. (1993). Social- cognitive mechanisms in the development of conduct disorder and depression. *Annual Review of Psychology*, 44, p.559-584.
- Elliott, T. R. (2001). Family caregiver social problem solving abilities and adjustment during the initial year of the care giving role. *Journal Of Consulting Psychology*, 48(2), 223.
- Fleming, J. A. (1988). *A problem solving approach*. Dissertation, Prentice Hall College.
- Freek, B. (2008). Parental bonds and life course. *Journal of Adolescence*, 43(169), 126-130.
- Gerard, A. B. (1994). *Parent- Child Inventory*. Los Angeles: Western Psychological Services.
- Heppner, p. p. (1995). The differential role of instrumentality, expressivity, and social support in predicting problem solving appraisal in men and women. *Sex Roles*, 32(2), 91-108.
- Hoffman, D. B. (2010). Behavioral community psychology: training a community broad to problem solve. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 8(2), 157-168.
- Hurst, M., Elliott, T. R. (2008). social problem solving and health. *Bienn Rev Couns Psychol*, 295-309.
- Jahoda, M. (1953). The meaning of psychological health. *Social Casework*, 34, 349-354.
- Kathryn, P. (2003). Effect of teaching kids to cop (TKC) program on outcomes of depression and coping among rural adolescents. *Journal of Child And Adolescent*, 16(2), 11.
- Kazdin, A. E. (1987). Effect of parent management training and problem solving skills tracing. *Journal Of The American Academy Of Child And Adolescent Psychiatry*, 26(3), 416-496.
- Lehman, P. (2010). *Parent and adolescents*. Community Action Network.
- O,Leary. K. D., Prinz, R. J. (1997). An approach to teaching parent and adolescents problem solving communication skills. *Journal of Adolescence*, 13(29), 144-149.
- Philip, R. (2010). *A comparison of parental self-efficacy, parenting satisfaction, and other factors between single mothers with and without children with developmental disabilities*. Dissertation in Wayne State University.
- Ramsey, E., & Bland, K. (1995). A family guide to second step: parenting strategies for a safer tomorrow, preschool-grade 5. Facilitator guide. *Committee for Children*.

- Robin, A. L., Foster, S. (1986). A controlled evaluation of problem solving communication training with parent-adolescent conflict. *Journal Of Behavior Therapy*, 12(5), 593-609.
- Samani, S. (2005). Family process and content model. Paper presented in *International Society for theoretical psychology conference*, 20- 24 June, Cape Town, South Africa..
- Shure, M. B. (2000). *Raising a thinking child workbook*. U.S.A: Henry Holt and company Inc.
- Shure, M. B., Digeronimo, T. F. (2001). Raising a thinking child workbook: Teaching young children how to resolve everyday conflicts and get along with each others: Book review. *Social Work With Groups*, 24(3-4), 197-201.
- Slaby, R. G., & Guerra, N. G. (1988). Cognitive mediators of aggression in adolescent offenders: 1- Assessment. *Developmental Psychology*, 24, p. 580-588..
- Sofronoff, K., Attwood, T., Hinson, S., & Levin, I. (2007). A randomized controlled trial of a cognitive behavioral intervention for anger management in children diagnosed with Asperger syndrome. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 37 (7), P.1203-1217.
- Spietz, H. (1982). Pursuring qualitative differences in the flexible use of problem solving strategy by young children. *Journal Of Education Of The Gifted*, 13(2), 115-140.
- Spivack, G., Lewin, K. (1976). *The problem solving approach to adjustment*. San Francisco: Jossey Bass.
- Steinberg, L. (1992). Impact of parenting practice on adolescent achievement: Authoritative parenting, school involvement, and encouragement to success. *Child Development*, 63, 1266-1281.
- Stern, B. S. (1999). Anger management in parent adolescent conflict. *The American Journal of Family Therapy*, 27, p.181-193.
- Tollman, G. A. (1965). Some effects of a brief course in the psychology of adjustment. *Journal Of Clinical Psychology*, 21(3), 322-326.
- Vygotsky, L. S. (1980). *The genesis of higher mental function*. Open University.
- Whitly, K. J. (2007). Social goals: relationship to adolescent adjustment and to social problem solving. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 21(2), 135-151.

